

فیاض لاهیجی شاعر ولایت مدار

اثر: دکتر احمد احمدی

استادیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران

(از ص ۱۵۹ تا ۱۸۳)

... والشعراء يتبعهم الغاؤون* ألم ترانهم فی کل وادیهمون*
وأنهم یقولون ما لایفعلون* الاالذین آمنوا و عملوا الصالحات و ذکرُوا
الله کثیراً و انتصروا من بعد ما ظلموا وسیعلم الذین ظلموا آی منقلب
ینقلبون* (شعراء ۲۲۴-۲۲۷)

چکیده:

در ادب فارسی، برخی شاعران شعر خویش را در خدمت عقیده خویش گرفته‌اند. کسائی مروزی، خسرو قبادیانی، قوامی رازی و ... در این جرگه‌اند. همراه با تحول تدریجی بافت اعتقادی مردم این سرزمین از تسنن به تشیع، این سیر در شعر فارسی نیز پی گرفته شده است. در دوران صفویه، نگرش اعتقاد شیعی، تفکر غالب بر این خطه است و بالطبع سیر شعر و ادب فارسی نیز بازتاب همین نگرش.

فیاض لاهیجی، فیلسوف، متکلم، عالم دینی و شاعر مشهور روزگار صفویان، از جمله کسائی است که شعر را محمل اندیشه ناب دینی و ابزار حق دانسته‌اند.

چنان که بزرگان علوم دینی تصریح کرده‌اند وجه اساسی اختلاف در دو دیدگاه تشیع و تسنن، "امامت" است.

شروط اساسی امام از منظرالشیعه امامیه، "نص"، "عصمت" و "علم

خدادی" است. فیاض، چونان متکلمی برهان مدار در شعر خویش، این سه اصل اصیل و رکن رکن را بر مرکب شعر نشانده و بدان پرداخته است. البته در کنار این اصول، فضائل دیگر خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام را نیز از نظر دور نداشته و اشارات یا تضریحات متعددی در این باب داشته است. نگارنده با گردآوری مواردی از موضوع یاد شده، در پی آن است که نشان دهد "فیاض لاهیجی شاعری است ولایت مدار و امامت شعار و منادی تفکر ناب شیعی".

واژه‌های کلیدی: فیاض لاهیجی، ولایت مدار، شیعه، نص، عصمت، علم خدادادی، امامت، تسنن.

مقدمه:

در زبان فارسی، در خطّه شعر، کسانی به این شهره‌اند که کلام را در خدمت عقیده خویش گرفته‌اند. راست آن است که این شهرت تنها در دوره نخستین شعر فارسی و بخشی از دوره بعد می‌تواند «عنوان» خاصی برای شهرت شاعر باشد. زیرا در دوره‌های بعد و از اواخر قرن ششم، شاعران بسیاری عقیده خویش و دست کم بیان احوال خویش را در عشق و معرفت، دستمایه سخن قرار داده‌اند که اوج آن در شعر صوفیانه نمود می‌یابد.

آنچه در این مقال در پی آنیم، ارائه تصویری است از شعر و شاعری در خدمت اعتقاد؛ با این تفاوت که مقصود از اعتقاد، در این گفتار، عقیده مذهبی خاص شاعر است، نه آنچه به طور عام، اخلاقی یا اعتقادی نام می‌گیرد.

شروع مقاله

ملا عبدالرزاق بن حسین (علی) لاهیجی قمی (م ۱۰۷۲)، از متکلمان و حکیمان مشهور قرن یازدهم و شانزدهم و داماد صیدالمتألّهین شیرازی از برجستگان فلسفه و کلام و شعر عصر صفوی است.

فیاض از جمله شاعرانی است که شعر را صرفاً محمل اندیشه ناب دینی می‌دانند. وی در بجایی از شعرش در منقبت امام مجتبی علیه السلام بدین تصریح می‌کند که اگر ستایش آل الله علیهم السلام، مقصد و مقصود وی نبود، اصولاً با شعر و شاعری، نسبتی برقرار نمی‌کرد:

«هنر نمانده به عالم که من نپروردم	ادب نزاده ز مادر مگر به دامن من
مرا ز شاعری خود همیشه عار آید	چه کار افلاطون را به ژاژ خاییدن
به روی شعر، نگاهی نکردمی هرگز	اگر نیابستی مدح مقتدا کردن...»

آنچه نگارنده بدان می‌پردازد ارائه تصویری است از این فیلسوف و متکلم شاعر در خصوص اساسی‌ترین وجه متمیز و نقطه اوج اختلاف فکری دو مذهب عمده اسلام، تشیع و تسنن، و حتی تشیع اثنی‌عشری - امامیه - با دیگر فرق شیعی و آن، مسأله حجیت مطلق کلام و رفتار اهل بیت و ائمه هدی علیهم السّلام و به‌طور خلاصه «امامت از دیدگاه شیعه امامیه» است.

چنان‌که بزرگان و علمای فن تصریح کرده‌اند، مسائل اساسی امامت عامه و خاصه درد دیدگاه شیعه امامیه و به عبارت دیگر شروط اساسی امام در این منظر، عبارت است از: «نص، عصمت، علم خدادادی (نک)، شیعه در اسلام علامه طباطبایی ص ۳۹ و نیز ص ۱۰۹-۱۴۸ چاپ اسلامیه قطع حبیبی ۱۳۵۱// عقائد الامامیه شیخ محمد رضا مظفر (متن عربی) چاپ ۱۳۸۱ مطبعه نورالامل (قطع حبیبی) الفصل الثالث // الامامة ص ۴۹-۶۳ و ترجمه فارسی آن به نام «مسائل اعتقادی از دیدگاه تشیع» ترجمه محمدی اشتهاردی ص ۷۹-۱۰۰// ترجمه کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد از علامه شعرانی چاپ اسلامیه ۱۳۹۸ هجری ۵۰۷-۵۵۹// فرهنگ فرق اسلامی، دکتر محمد جواد مشکور چاپ آستان قدس ص ۲۴-۲۸ و نیز ۶۷-۷۶// اندیشه‌های کلامی شیخ مفید ترجمه احمد آرام، چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۲، ص ۱۴۱-۱۷۷)

نکته دیگر این‌که عالمان شیعی در اثبات امامت و ولایت آل‌الله علیهم السّلام در دو وجه قرآنی و روایی، به شأن نزول آیات و نیز روایات چندی استناد کرده‌اند:

الف - آیات مبارکه‌ای چون:

- ۱- آیه تطهیر ۲ - آیه تبلیغ ۳- آیه ولایت ۴- آیه مباهله ۵- آیه مودت
- ۶- آیه اولولامر ۷ - آیه اخوت ۸- آیه اکمال ۹- آیه شاهد ۱۰- آیه انذار و ...

ب - روایات مشهوری چون:

- ۱- حدیث ثقلین ۲- حدیث سفینه ۳- حدیث منزلت ۴- قصه اطعام (سوره هل ائی) ۵- طیر مشوی ۶- اعطای رایت در خیبر ۷- روایت لافتی الاعلی...
 - ۸- سلام امامت به حضرت و... (البته در مرور شعر فیاض، مواردی از آیات و روایات پیش گفته را با ذکر مأخذ مطرح خواهیم کرد).
- تنها توزق فهرست کتبی چون «نهج الحق» علامه حلی، «احقاق الحق» قاضی نور الله شوشتری و تعلیقات آیه الله مرعشی (ره) بر آن، «الغدیر» علامه امینی، «عقبات الانوار» میرحامد حسین هندی، «المراجعات» سید عبدالحسین شرف الدین و... موجب تصدیق اجمالی امر امامت از دیدگاه شیعه می‌گردد.

فیاض لاهیجی، سوار بر مرکب شعر، در جایگاه یک متکلم شیعی بسیاری از این موارد را در طی مدایح خویش از آل الله علیهم السلام و بویژه حضرت مولی الموحذین علیه الصلوة و السلام، به میان آورده از علو قدر و خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام داد سخن می‌دهد.

اینک مروری بر شعر فیاض از این منظر:

الف - فیاض به نص و عصمت در امامت معتقد است:

«در منقبت امیر المومنین علیه السلام و اثبات ولایت و خلافت آن حضرت:

(دیوان، ص ۲۳-۲۷)

بود جمع در وی شروط امامت	به نص صریح کلام الهی
امامت ز عصمت برد استقامت	به نص امر عصمت پذیرد تمامی
نصوص طهارت بر او هست وارد	براهین عصمت در او هست جاری...

البته پس از این ابیات، وی شواهد قرآنی و روایی زیادی را طرح می‌کند که در بخشهای بعدی بدانها می‌پردازیم. ضمناً مطالعه خطبه مفصل حضرت امام رضا

علیه السلام در خصوص مقام امامت و امامت به مخاطب گرامی توصیه می شود. (سفینه البحار، ج ۱، ص ۳۲ // کافی، کتاب الحجة، باب نادر جامع فی فضل الامام و صفاته، حدیث ۱)

ب - فیاض، هدایت راتنها در تمسک به خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام می بیند و پذیرش عمل را منوط به قبول ولایت ائمه علیهم السلام:

۱- «دوستدار اهل بیت و عترت پاک توام دیگری لایق ندانم در سزی و سروری عترت پاک مرا تا برسند و سرورند . حاش لله گر پسندم دیگری در جاگری هر که او بی مهر عترت لاف ایمان می زند پیش من فرقی ندارد از جهود خیری ...

(دیوان، ص ۲۲ و ۲۳)

می دانیم دویستی و ولایت اهل بیت علیهم السلام امری است که بیش از هر امر دیگری مورد تأکید قرار گرفته است. از جمله موارد مذکور:

شأن نزول آیه معروف مودت: قل لا اسألکم علیه اجزاً الا المنودة فی القنربی»

(شوری / ۲۳)

و روایاتی چون:

«لما قضی رسول الله صلی الله علیه و آله مناسکه من حجة الوداع ركب راحلته و أنشا يقول: لا یدخل الجنة الا من كان مسلماً فقام الیه ابوذر الغفاری فقال یا رسول الله و ما الاسلام؟ قال صلی الله علیه و آله:

الاسلام عریان و لباسه التقوی و زینته الحیاء و ملاکه الورع و کماله الدین و ثمرته العقل و لكل شیء اساس و اساس الاسلام حبنا اهل البيت علیهم السلام.» (بحار الانوار، جلد ۲۷، باب ثواب حبهم، حدیث ۲۲ و ۱۳۲)

و نیز:

«قال ابو الحسن الرضا علیه السلام: کمال الدین و لایتنا و البرائة من اعدائنا.»

(همان، باب وجوب موالاتهم، حدیث ۹ ص ۵۵)

۲- در منقبت امام موسی بن جعفر علیه السلام چنین سروده است:
«... خلاف رای تو زان نقض دین بود که خدای

به تار عهد تو تابیده رشته ایمان
خلل پذیر شود پنج رکن دین یکبار
اگر نه مهر تو دین راست اعظم الارکان»

(دیوان فیاض، ص ۷۲ و ۷۳)

که می توان گفت ناظر است به روایت شریف زیر:

«عن ابی حمزة الثمالی عن ابی جعفر الباقر علیه السلام قال: بنی الاسلام علی
خمس: علی الصلوة و الزکوة و الصوم و الحج و الولاية و لم یناد بشيء کمانودی
بالولاية.» (کافی، کتاب الایمان و الکفر، باب دعائم الاسلام، حدیث (۱)
۳- در همان قصیده:

«... خلافتی که به قد تو راست همجو قیاست

اگر به خصم پسندی چه باک و نقص از آن
هوای شوکت صاحب قرانی اش نبود

کسی که در دو جهان است «صاحب القرآن»...

(دیوان فیاض، ص ۷۳)

تعبیر «صاحب القرآن» بی تردید اشاره دارد به حدیث مشهور «ثقلین» که در تواتر
آن تردیدی نیست

در «حدیث ثقلین» چنین می خوانیم:

«قال رسول الله صلّى الله عليه وآله: أتى تارك (مخلف) فيكم الثقلين كتاب الله و
عترتى اهل بيتى ما أن تمسكتم بهما لن تضلوا بعدى وإنهما لن يفترقا حتى يردا على
الحوض» (بصائر الدرجات الكبرى، ص ۴۳۳، حدیث ۳ // کمال الدین صدوق ۲۰
روایت با اسناد مختلف // امالی صدوق مجلس ۶۴ حدیث ۱۵ و مجلس ۷۹

حدیث ۱ ضمناً در «احقاق الحق» ج ۴ ص ۴۳۶-۴۴۳ و جلد ۶ ص ۳۴۱-۳۴۴ و جلد ۷ ص ۴۷۲ و جلد ۹ ص ۳۰۹-۳۷۵ با تعیین مواضع و مصادر، روایات این حدیث از طرق عامه (اهل سنت) آورده شده است.

۴- در منقبت امام باقر علیه السلام می‌سراید: (دیوان فیاض، ص ۶۳ و ۶۴)
 «... سفید روی تر آید به محشر از طاعت به آب خاک درت غوطه گر خورد عصیان
 هزار ساله عبادت ز سر برون نبرد مخالفان ترا بی نصیب از غفران
 تمام عمر به یک سجده گر برند به سر که بی رضای تو سر می‌زنند بر سندان...»
 که ناظر است به روایات بسیاری از جمله:

«عن ابی حمزه قال قال لنا علی بن الحسین علیهما السلام: أئی البقاع أفضل؟
 فقلت: الله ورسوله و ابن رسوله اعلم قال علیه السلام: إن افضل البقاع ما بین الرکن و
 المقام و لو أن رجلاً عمّر ما عمّر نوح علیه السلام فی قومه - الف سنة الاخمسين
 عاماً - یصوم النهار و یقوم اللیل فی ذلك المقام ثم لقی الله عزوجل بغير و لا یتالم
 ینتفع بذلك شیئاً.» (عقاب الاعمال صدوق، باب من جهل حق اهل البيت عليهم
 السلام - حدیث ۲)

۵- در همین قصیده باز چنین گفته است: (دیوان فیاض، ص ۶۴)
 «...تو لایقی به خلافت ز روی عقل و قیاس تو بی سزای امامت به حجت و برهان
 تو بی که جابر انصاری از زبان رسول سلام داده ترا بعد قرنهای زمان...»

هر دو بیت اشاره مستقیم دارد به حدیث قدسی معروف «لوح» (نک. اصول کافی
 کتاب الحجّة باب ما جاء فی الائمة الاثنی عشر حدیث ۳ // احتجاج طبرسی جلد ۱
 ذکر تعیین الائمة الطاهرة بعد البنی صلی الله علیه و آله). که در آن امامت همه ائمه
 علیهم السلام به نام و صراحت بیان شده است و نیز حدیث ابلاغ سلام حضرت
 رسول به حضرت باقر علیهما السلام (امالی صدوق، مجلس ۵۶، حدیث ۹)

۶- در حکایت منظومی بر وزن جدیقه سنایی از زیان امیر المؤمنین علیه السلام می‌گوید:

«...منم آن عارف خدای به حق
وارث شرع احمد مرسل
خازن مخزن قضا، مطلق
عالم علم اول و آخر
نه فرایض قبول شد نه سنن...»

(دیوان فیاض، ص ۲۱۳)

ج - فیاض، علم خدادادی و قدرت خارق العاده برای امام معصوم قائل است:
۱- در منقبت حضرت سید الساجدین علیه السلام می‌گوید:

«... جز سینه‌اش که نامتناهی در اوست علم جایی به گرد نامتناهی حصار نیست»

(همان، ص ۵۹)

که اشاره دارد به احادیثی چون حدیث زیر:

«قال ابو جعفر الباقر علیه السلام: واللّه إنَّ الخزان اللّهِ فی سماءه وارضه لا علی ذهب ولا علی فضة الا علی علمه.» (بصائر الدرجات الکبری جزء ۲ باب ۱۹ حدیث ۱۲۴)

۲- در منقبت حضرت امام رضا علیه السلام سروده است:

«محیط علمش اگر موج ور شود افتد
تخیلات دو عالم چو خار و خس به کنار
به دقت نظر دورسین تواند دید
به یک ملاحظه امروز عرض روز شمار
نگاه دور رسای وی از شکاف ازل
کنند مطالعه در نامه ابد اسرار...»

(دیوان فیاض، ص ۸۰)

۳- در منقبت امام باقر علیه السلام: (دیوان فیاض، ص ۶۲)

«...اگر ز چهره علمش نقاب بر خیزد
غبار آینه گردد علوم هر دو جهان...»

۴- در منقبت امام جواد علیه السلام:

(همان، ص ۹۲)

«... دفتر علم ترا هفت فلک یک ورق گلشن خلق ترا هشت چمن یک گیا
ای به کمال شرف گوهر یکتای دین وی به جمال خرد لمعه نور خدایا
عقل نخستین ترا دایه علم و ادب علم لذنی ترا منایه فهم ذکا...»
و موارد دیگری که دریافت‌هایی است از مضامین روایاتی چون:

۱- «... قال ابو جعفر علیه السلام فی قوله تبارک و تعالی: «و رحمتی وسعت کل
شیء» قال علیه السلام: علم الامام و وسع علمه الذی هو من علمه کل شیء» (کافی
- کتاب الحجّه - حدیث ۱۱۶۲)

۲- «قال ابو عبد الله علیه السلام: ... ائنی لأعلم ما فی السموات و أعلم ما فی
الارضین و اعلم ما فی الجنة و أعلم ما فی النار و اعلم ما کان و ما یکون ثم مکث
هنیئة فرأی أن ذلک کبر علی من سمعه فقال علیه السلام: علمت من کتاب الله ان
الله یقول: «فیه تبیان کل شیء» (بحار - ج ۲۶، باب ۶ ص ۱۱۱ حدیث ۸)
فقرأت زیارت جامعہ کبیره و زیارات متعدد ائمه علیهم و السلام و دعای هر روز
ماه رجب و ... همه حامل معارفی از این دست هستند.

د- فیاض، آل الله علیهم السلام را واسطه فیض حق و سبب و غلت غائی
آفرینش می داند:

۱- در منقبت و نعت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله:

(دیوان فیاض، ص ۱۷)

«... محمد کافرینش را طفیل هستی اش یابی
و جودش علت ایجاد ملک کن فکان بینی

۲- در منقبت امیر المؤمنین علی علیه السلام: (مغان، ص ۲۳).

«... اگر نور او در میانه نبودی بماندی دو عالم چو عینین اعمی...
بود نور او سرّ ایجاد عالم بود ذات او قدرت حق تعالی...»

۳- در منقبت حضرت سید الشهداء علیه السلام: (همان، ص ۵۲)

«...اگر نه رابط ایجاد او شدی بودی ازل خزینه کاف و ابد طویله نون
برای مولد او کرد آسمان حرکت زمین برای منقرّوی اقتضای سکون...»

۴- در منقبت حضرت سید السّاجدین علیه السلام: (همان، ص ۵۹)

«...گر نه وجود او بود این کارخانه را پیش خدای عزو جل اعتبار نیست
حاصل که او نتیجه ایجاد عالم است در دهر همجو ما و تو او حشو کار نیست

۵- در منقبت حضرت صادق علیه السلام: (همان، ص ۶۹)

«...به کارخانه تقدیر مستمد از تست به حلّ و عقد مقاصد مدبرّات امور
بود او امر کن را به خطه تقدیر به خاطر تو ورود و زسینه تو صدور...»

۶- در منقبت امام موسی کاظم علیه السلام: (همان، ص ۷۳)

«...ارادت تو دهد کلک امر را حرکت کرامت تو دهد حکم نهی را جریان
بدون حکم تو تقدیر کی کند خواهش خلاف رأی تو کی می دهد قضا فرمان...»

۷- در منقبت حضرت رضا علیه السلام: (همان، ص ۸۱)

«...فلک به حکم تو می یابد از قضا اجری زمین به امر تو می گیرد از فلک ادرار...
مطیع حکم عطای تو حارسان جبال و کسب دست جواد تو خازنان بنجار...»
و موارد دیگری که برگرفته از مضمون روایاتی است؛ از جمله:

۱- «عن زراة عن ابی عبدالله علیه السلام قال قال الحسین علیه السلام: و اللّٰه ما

خلق الله شیئاً الا وقد امره بالطاعة لنا...» (علامه نمازی نساہرودی، اثبات ولایت، ص ۵۹)

۲- «قال ابو عبدالله علیه السلام فی حدیث طویل... سبحان الذی سخر للامام

کل شیء و جعل له مقالید السموات و الارض لینوب عن الله فی خلقه...» (همان)

۳- «در زیارت جامعہ کبیره در مفاتیح الجنان می خوانیم... و ذل کل شیء

لکم...» اصولاً فقرات متعددی در این زیارت شریف برای اثبات این موارد وجود

دارد.

۴- «ذیل آیه مبارکه» ام یحسدون الناس علی ما آتاهم الله من فضله فقد آتینا آل ابراهیم الكتاب و الحکمة و آتیناهم ملکاً عظیماً». در کتاب شریف کافی پنج روایت و در کتاب بصائر الدرجات نه روایت و در تفسیر نور الثقلین و تفسیر برهان متجاوز از بیست روایت و در بحار ج ۲۳ بیش از ۶۰ روایت نقل کرده‌اند و حاصل همه آنها این است که «محسود» در آیه کریمه محمد و آل محمد صلی الله علیهم اجمعین اند و ملک عظیم هم سلطنت و فرمانروائی بر کائنات به اذن حق» (همان، ص ۳۴ و ۳۵، طالبان تفصیل می‌توانند به این کتاب شریف که از کتب انتشار یافته حسینیه عماد زاده اصفهان در سال ۱۳۵۱ است مراجعه فرمایند در کتاب یاد شده علم و قدرت امام معصوم علیه السلام به تفصیل و با برهانهای عقلی و نقلی مورد بحث قرار گرفته است).

۵- در حدیث مشهور و معتبر «کساء» وارد است:

«فقال الله عزوجل یا ملائکتی و یا سگان سماواتی انی ما خلقت سماء مبنیة و لأرضاً مدحیة و لاقمرأ منیراً و لاشمساً مضيئة و لافلکاً یدور و لا بحرأ یجری و لا فکأ یسری الا فی محبة هؤلاء الخمسة الذینهم تحت الکساء فقال الامین جبرائیل یارب و من تحت الکساء فقال عزوجل: هم اهل بیت النبوة و معدن الرسالة هم فاطمة و ابوها و بعلها و بنوها...» (مفاتیح الجنان، این حدیث یکی از موازد شأن نزول آیه تطهیر نیز هست).

۶- «قال ابو جعفر الباقر علیه السلام: نحن حجة الله و نحن باب الله و نحن لسان الله و نحن وجه الله و نحن عین الله فی خلقه و نحن ولاة امر الله». (بصائر الدرجات الکبری، ص ۸۱، حدیث ۱)

۷- عن جابر عن أبی جعفر علیه السلام قال: «ان الله تعالی خلق اربعة عشر نوراً من نور عظمته قبل خلق آدم باربعة عشر الف عام فهی ارواحنا فقیل له یا بن رسول الله عدّهم باسمائهم فمن هؤلاء الاربعة عشر نوراً؟ فقال علیه السلام:

محمد و علی و فاطمه و الحسن و الحسین و تسعة من ولد الحسین و تاسعهم قائمهم ثم عدّهم باسمائهم ثم قال: نحن و الله الأوصیاء الخلفاء من بعد رسول الله صلی الله علیه و آله ان الله تعالی خلقنا فأحسن خلقنا و صورنا فأحسن صورنا و جعلنا عینه علی عبادہ و لسانه الناطق فی خلقه و یدہ المبسوطه علیهم بالرأفة و الرحمة و وجهه الذی یؤتی منه و بابہ الذی یدل علیہ و خزّان علمه و تراجمه و حیه و اعلام دینہ و العزوة الوثقی و الدلیل الواضح لمن اهتدی و بنا اثمرت الاشجار و اینعت اثمار و تجرت الانهار و نزل الغیث من السماء و نبت عشب الارض و بعبادتنا عبد الله و لولانا ما عرف الله و أیم الله لولا وصیّہ سبقت و عهد أخذ علینا لقلت قولاً یعجب منه (أو یذهل منه) الأولون و الآخرون» (بحار، ج ۲۵، ص ۵۰۴، حدیث ۷)

ه - فیاض، شناخت و توصیف آل الله علیهم السلام را فراتر از حیطة درک و دریافت آدمی می داند:

۱- در نعمت رسول اکرم صلی الله علیه و آله: (دیوان فیاض، ص ۲۲)

«...یا رسول الله خیر المرسلین ختم الرسل»

ای که در وصف تو حیران می شود عقل حری

من به قدر فهم خود وصف جلالت می کنم

ورنه می دانم به قدر از عرض دانش برتری...

۲- در منقبت امیرالمؤمنین علی علیه السلام: (مغان، ص ۳۲)

«...درک کتنت نشود دست زد فهم کسی

این عروسی است که در حجله گه علم خداست...

۳- در منقبت حضرت صدیقه اطهر سلام الله علیها: (مغان ص ۴۵ و ۴۶)

«عروس کینه جلالش نقاب نگشاید مگر به حجله علم خدای بی همتا

به وهم عرصه قدرش نمی توان پیمود محیط را نتوان کرد طی به زور شنای...

شرافتش به ازل بوده هم عنان قدم جلالش به ابد رفته هم رکاب بقای...

من و ستایش فضل تو دعوی است خلاف من و مزودن مدحت مظنه ایست خطا...

۴- در منقبت حضرت امام مجتبی علیه السلام: (همان، ص ۴۸)

«...بیان قدر تو مستغنی است از تقریر صفات ذات تو بالاتر است از گفتن...»

۵- در منقبت حضرت سید الشهداء علیه السلام: (همان، ص ۵۳)

«به لاتناهی اعداد نیز نتوان کرد شمار فضلش کز لاتناهی است فزون...»

زهی مکان تو از عرصه خیال برون گمان به خلوت قدس تو زه نبرده درون...»

۶- در منقبت حضرت سیدالساجدین علیه السلام: (همان، ص ۶۰)

«...فکر من از کجا ومدیح تو از کجا

در بحر مدحت تو خرد را گذار نیست

وصفت زکارگاه تخیل برون ترست

این جنس خوش قماش ازین بود و تار نیست...»

۷- در منقبت حضرت باقر العلوم علیه السلام: (همان، ص ۶۳)

«...یقین به کنه جلالش نشان نمی یابد خرد به هرزه چرا می کند گمان گمان...»

خدا یگانا آنی که وصف رتبه تو نمی تواند کردن خرد به فکر و بیان

که مدح و وصف به قدر شناخت باید کرد ترا چنان که تویی خود شناختن نتوان...»

۸- در منقبت حضرت امام موسی کاظم علیه السلام: (همان، ص ۷۳)

«...بزرگوارا آنی که در مدیح تو عقل سری به جیب فرو برده با هزار بیان

نظر به درک جمال تو عاجز ست و ضعیف سخن به وصف جلال تو قاصر و حیران...»

و موارد دیگری که از ذکر آنها تن می زنیم. موارد ارائه شده و امثال آنها ناظر است

به احادیثی چون احادیث ذیل:

۱- قال رسول الله صلى الله عليه وآله لعلي عليه السلام: «يا علي ما عرفك إلا

الله وأنا وما عرفني إلا الله وأنت وما عرف الله إلا أنا وأنت» (رجب البرسی، حافظ، مشارق

انوار الیقین فی اسرار امیرالمؤمنین علیه السلام، ص ۱۱۲)

۲- عن ابى عبدالله الصادق عليه السلام: «...لا تظن أنك مفرط فى أمرنا انه لا يقدر على صفة الله أحد فكما لا يقدر على صفة الله فكذلك لا يقدر على صفة الرسول صلى الله عليه وآله وكما لا يقدر على صفة الرسول فكذلك لا يقدر على صفتنا. وكذلك لا يقدر على صفة المؤمن...» (شيخ صدوق، فضائل الشيعة، حديث ۱۷)

۳- «...مولى الا أحصى ثنائكم ولا أبلغ من المدح كنهكم ومن الوصف قدركم و أنتم نور الأختيار...» (مفاتيح الجنان، زیارت جامعه کبیره خطاب به حضرات ائمه عليهم السلام)

۴- «عن أبى عبدالله عليه السلام قال: «انا انزلناه فى ليلة القدر» الليلة فاطمة سلام الله عليها والقدر الله فمن عرف فاطمة سلام الله عليها حق معرفتها فقد ادرك ليلة القدر و إنما سميت فاطمة سلام الله عليها لأن الخلق فطموا عن معرفتها...» (تفسير الفرات - سورة القدر ص ۵۸۱ حديث ۷۴۸)

۵- در خطبه معروف حضرت رضا عليه السلام در خصوص امام و امامت:
«...هيئات هيهات ضلّت العقول و تاهت الحلوم و حارت الاباب و خسئت العيون و تصاغرت العظماء و تحيرت الحكماء و تقاصرت الحلماء و حصرت الخطباء و جهلت الالباء و كُلت الشعراء و عجزت الادباء و عيبت البلغاء عن وصف شأن من شأنه أو فضيلة من فضائله و أقرت بالمعجز و التقصير و كيف يوصف بكّله او ينعت بكنهه او يفهم شىء من أمره. أو يوجد من يقوم مقامه...» (كافى، كتاب الحجّة، باب نادر جامع فى فضل الامام و صفاته، حديث ۱)

و- فياض، شاعر متكلم، در اثبات ولايت و خلافت امير المؤمنين عليه السلام داد سخن مى دهد:

۱- «سزای امامت به صورت به معنی
على ولى آن كه شاه است و مولى...
ولى ولايت وصى و صايت
هدى هدايت هم أعلى هم أدنى...»

(ديوان فياض، ص ۲۳)

می توان گفت مقتبس است از:

الف - آیه ولایت و شأن نزول آن (برای شأن نزول آن نک. امالی صدوق، مجلس ۲۶، حدیث ۲

و نیز امام شناسی علامه طهرانی ج ۵ ص ۱۹۹-۲۶۵):

إِنَّمَا وَلِيكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ* وَ مَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ (مانده - ۵۵ و

(۵۶

ب - روایاتی چون:

«قال رسول الله صلى الله عليه وآله: ليلة أسرى بي إلى السماء كلمني ربي فقال يا محمد قلت لبيك رب و ساعديك قال: إِنَّ عَلِيًّا حَجَّتِي بِعَدِكَ عَلِيٌّ خَلَقَنِي وَإِمَامٌ أَهْلُ اطَاعَتِي مِنْ اطَاعَةِ أَطَاعَتِي وَ مِنْ عَصَاةِ عَصَانِي فَانصِبْهُ عَلِيًّا لَأَمْتِكَ يَهْتَدُونَ بِهِ بِعَدِكَ» (الجواهر السنیه فی الاحادیث القدسیه (شیخ حر عاملی) ص ۲۴۰)

۲- «امامت کسی را سزا شد که دارد»
تخلی به فضل، از رداییل تخلی
کیند دعوی ار غیر او جای او را
بود دعوی غیر خبالی زمعنی...
شهی کز شرف کرده اوصاف او را
خداوند تنزیل، صد جای، امنی
کلام الهی چه سابق چه لاحق
همه مدحت اوست حق کرده انشی
نبینی به قرآن نه سوره نه آیه
که نبود در او از کمال وی انهی
دریافت شده از روایاتی چون:

الف - خطبه مشهور حضرت ثامن الحجج علیه و علیهم السلام: «...الامام امین الله فی خلقه و حجته علی عبادہ...مخصوص بالفضل کله من غیر طلب منه له و لا اکتساب بل اختصاص من المفضل الوهاب...» (کافی - کتاب الحجج - باب نادر جامع فی فضل الامام و صفاته، حدیث ۱)

ب - خطبه معروف غدیر:

«قال رسول الله صلى الله عليه وآله:....معاشر الناس إن فضائل علي بن ابي

طالب. علیه السّلام عندالله عزوجل و قد أنزلنا فی القرآن اکثر من أن أحصیها فی مقام
و احد فمن أنباکم بها و عزّفها فصدّقوه...» (احتجاج طبرسی، حدیث غدیر، ص ۶۶)

ج - عن ابی الحسن علیه السلام قال: ولایة علی علیه السلام، مکتوبة فی جمیع
صحف الانبیاء ولن یبعث الله رسولا الا بنبوّة محمد و وصیّة علی صلوات الله
علیهما» (کافی، کتاب الحجّة، باب نف و جوامع من الروایة فی الولاية، حدیث ۶)

۳- «اگر قرب او با پیغمبر نبودی نمی گشت واجب مودّت به قرب»

(دیوان فیاض، ص ۲۴)

مصراع اول احتمالاً ناظر است به آیه «مباهله» که در جای دیگر ذکر می شود و
مصراع دوم اشاره دارد به آیه «مودّت» و شأن نزول آن که چنین است:

«قال ابو جعفر علیه السلام: جاءت الأنصار الى رسول الله صلى الله عليه وآله
فقالوا: انا قد نصرنا و فعلنا فخذ من اموالنا ما شئت فانزل الله: «قل لا اسألكم عليه
اجراً الا المودة فی القربى». یعنی فی اهل بیته ثم قال رسول الله صلى الله عليه وآله
بعد ذلك: من حبس أجيراً أجره فعليه لعنة الله و الملائكة و الناس اجمعین لا یقبل
الله عنه يوم القيامة صرفاً و عدلاً و هو محبة آل محمد صلى الله عليهم اجمعین.»
(تفسیر القمی، جلد دوم، ص ۲۷۵)

۴- «خدا جملہ پیغمبران اسم را به ایجاد او داده صد گونه بشری»

(دیوان فیاض، ص ۲۵)

در بخشی از حدیث غدیر چنین می خوانیم: «ألانہ الرشید السّید ألا آتہ
المفوض الیه ألا آتہ قد بئبر به من سلف بین یدیه ألا آتہ الباقی حجة...» (احتجاج
طبرسی، حدیث غدیر، ص ۶۵)

۵- «به اظهار او بوده جبریل مأمور به پیغمبر اخفای او گشته منهی»
نبوت به اظهار امرش محقق رسالت زاخفای او گشته منفی...»

دو بیت اشاره دارد به آیه مبارکه «تبلیغ» که در روز ۱۸ ذیحجه در حجة الوداع در غدیر خم نازل گشت:

يا ايها الرسول بلغ ما انزل اليك من ربك و ان لم تفعل فما بلغت رسالته و الله يعصمك من الناس ان الله لا يهدي القوم الكافرين (مائده - ۶۷)

شأن نزول آیه مبارکه خطبه معروف «غدیر» است که صدور قطعی آن را از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله، علامه امینی در کتاب شریف «الغدیر» از طرق کتب اهل سنت، اثبات کرده است و کاملترین شکل آن خطبه نیز در احتجاج طبرسی دیده می شود.

(طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، احتجاج، جلد ۱، خطبه الغدیر صفحه ۵۵-۶۷)

۶- «...بود افضل خلق بعد از پیمبر هم از علم وافر هم از حکم ظاهر هم از سبق اسلام و قرب پیمبر شجاعت به حدی که تا روز محشر به تفسیر آیات او بوده مرجع به او کرده در مشکلات وقایع بود جمع در وی شروط امامت امامت زعصمت برد استقامت در ابیات فوق اشارات پیاپی به شأن نزول آیات متعدد و نیز احادیث فضیلت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام دیده می شود که فهرست وار می توان گفت:

الف - در خصوص سه بیت اول مضمون احادیثی چون حدیث غدیر (عبان، ص

۵۵-۶۷) و حدیث ذیل:

«قال رسول الله عليه وآله: علي بن ابي طالب صلوات الله عليه اقدم امتي اسلاماً و اكثرهم عملاً و اصحهم ديناً و افضلهم يقيناً و احلمهم حليماً و اسمحهم كفاً و

اشجعهم قلباً و هو الامام و الخلیفة بعدی...» (امالی صدوق، مجلس دوم، حدیث ۶)

ب- اشاره به «شان نزول» «آیه انذار» (ر.ک. احقاق الحق ج ۵، ص ۵۶۰ و ج ۱۴ ص ۴۲۳ و نیز مسند احمد بن حنبل ج ۱، ص ۱۱۱)، «آیه مباهله» (تک. صحیح مسلم ج ۷ ص ۱۲۰ (چاپ مصر) و مسند احمد بن حنبل ج ۱، ص ۱۸۵ (چاپ مصر)) در بیت سوم از ابیات فوق.

ج - بیت چهارم که سخن از شجاعت حضرت می‌گوید، از موارد متفق علیه است: «سبط بن جوزی در تذکره خواص صفحه ۲۰ گفته: دانشمندان تاریخ اتفاق دادند که علی (صلوات الله علیه) در همه جنگها با رسول اکرم صلی الله علیه و آله بوده جز جنگ تبوک و نیز اتفاق دادند که در تبوک با رومیان جنگی واقع نشد و از جدم پرسیدند که چرا در تبوک جنگ نشد؟ در پاسخ گفت: چون در تبوک دلاور اسلام، امیر المؤمنین علی صلوات الله علیه نبود.

و نیز در احقاق الحق جلد هشتم ص ۵۳۱-۵۲۸ نظر دیگران هم آورده شده و همگان اعتراف دارند که در همه جنگها علی علیه السلام دلاور اسلام بوده جز او. کسی در زمان رسول اکرم صلی الله علیه و آله محور پیروزی نبوده است.» (حسینی، تهرانی، سید هاشم، عقائد الانسان، جلد سوم، ص ۳۴)

د - بقیه ابیات را می‌توان اشاره به مضمون آیات و روایات متعددی دانست که خود شاعر پس از این، برخی از آنها را یاد می‌کند.

۵- در خصوص بیت ششم از ابیات فوق مورد ذیل قابل توجه است:

«خلیفه دوم در بیش از هفتاد مورد این عبارت را به زبان آورده است که: «لولا

علی صلوات الله علیه لهلك عمر» (سلطان الواعظین شیرازی، شبهای پیشاور، ص ۸۵۸)

در ابیات آخر نیز دو شرط از شروط امام در تشیع امامیه قید شده: «نص» و

«عصمت» و البته در چند بیت بالاتر به «علم لدنی» امام نیز اشاره کرده است.

۷- «نصوص طهارت بر او هست وارد» براهین عصمت ذر او هست جاری

ز آیات ناطق احادیث صادق
 ز قرآن کنم اول اثبات مطلب
 «لیذهب» به شأن که بوده و «یطهر»
 به تنزیل شد «هل أتى» از چه منزل
 که از «أنتم» بود مقصود ایزد
 که بود آن که با او به فرمان ایزد
 به رد برائت که گردید مأمور
 کسرا با نبی بنود فضل اخوت
 به شأن که جبریل شد لافتی گو
 به روز غدیر از برای که می گفت
 برای که بود این که گردید صادر
 چرا کرد امر سلام امامت
 کسی کاین فضایل مر او راست ثابت
 بود در امامت زهر غیر سابق
 یقین محض جهل است و عین شقاوت

که مطلب زهر یک پذیرد تقوی...
 دگر از احادیث، اتمام دعوی
 ز «یتلوه شاهد» به سوی که ایمی؟
 نبی را ز «بلغ» چرا کزد عتبی؟
 به ستایل که انگشتری کرد اعطی؟
 نبی شد مباحل به قوم نصاری؟
 به اعطای رایت کرا کرد انهی؟
 که را با او لوالعزم حد تساوی؟
 پیمبر برای که گفت انت منی؟
 به بالای منبر نبی «لسنت اولی»؟
 حدیثی که نقل است در طیر مشوی؟
 چرا اجر تبلیغ شد حب قریبی؟
 کسی کاین دلایل در او هست منجری
 بود در خلافت زهر غیز آحرری
 نمودن به او دیگری را منساوی...»

(دیوان فیاض، ص ۲۶)

چنان که ملاحظه می گردد آیات و روایات چندی در ابیات پیش گفته مورد نظر
 شاعر است از جمله:

آیات:

۱- انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و ینظروکم تطهیراً
 (احزاب-۳۳)

که معروف به «آیه تطهیر» است و «در غایة المزام» سید بحرانی (ص ۲۸۱، تا ۳۰۰)

هفتاد و پنج روایت در شأن نزول این آیه نقل شده که چهل و یک روایت آن از طریق عامه و ۳۴ روایت آن از طریق خاصه است و همه کتب مهم اهل سنت و نیز تمامی کتب شیعه، آیه تطهیر را منحصر در حق پنج تن آل عبا علیهم السلام می دانند» (حسینی طهرانی، سید محمد حسین، امام شناسی جلد ۳ ص ۱۴۲ و ۳ و نیز رک. مسند ابی داود ج ۸ ص ۲۷۴ و مسند احمد بن حنبل ج ۱، ص ۳۳۱)

۲- آیه معروف به «شاهد»:

«أفمن كان على بينة من ربه ويتلوه شاهد منه ومن قبله كتاب موسى إماماً ورحمة أولئك يؤمنون به ...» (هود- ۱۷)

«در غایة المرام سید بحرانی از طریق عامه، بیست و سه حدیث و از طریق خاصه یازده حدیث ذکر کرده که مقصود از «صاحب بینة» رسول اکرم صلی الله علیه و آله و منظور از «شاهد»، امیر المؤمنین علیه السلام است.» (همان، جلد ۴، ص ۱۲۵)

۳- آیه «اطعام»:

«... ان الابرار يشربون من كأس كان مزاجها كافوراً عیناً يشرب بها عباد الله يفجرونها تفجيراً يوفون بالنذر و يخافون يوماً كان شره مستطيراً و يطعمون الطعام على حبه مسكيناً و يتيماً و اسيراً انما نطعمكم لوجه الله لانريد منكم جزاء و لا شكوراً...» (دهر - ۵ به بعد)

آیه فوق نیز در شأن وجود مقدس ۴ تن از پنج تن علیهم السلام نازل شده است که در کتب معتبر شأن نزول و تفسیر آیات را می توان به تفصیل ملاحظه کرد. (تفسیر القمی ج ۲ ص ۳۹۸ // تفسیر الفرات ص ۵۲۰-۵۲۶ // امالی صدوق، مجلس ۴۴، حدیث ۱۱ و نیز ترجمه المیزان جلد ۳۹ ص ۳۴۲-۳۷۸)

۴- «آیه تبلیغ» که در شماره ۵ نیز مذکور گردید.

۵- آیه «ولایت»:

«... انما وليكم الله و رسوله و الذين آمنوا الذين يقيمون الصلوة و يؤتون الزکوة و

هم راکمون و من يتول الله و رسوله و الذين آمنوا فان حزب الله هم الغالبون (مانده، ۵۵-۵۶)

شأن نزول این آیه مبارکه که بسیار مشهور است در کتب متعدد شیعه و سنّی آمده است. (ر.ک امالی صدوق، مجلس ۲۶، حدیث ۴ و نیز نک. امام شناسی علامه طهرانی، جلد پنجم ص: ۱۹۹-۲۶۵ و نیز ترجمه المیزان جلد ۱۱ ص ۹-۴۳)

۶- «آیه مباهله»

«...فمن حاجک فيه من بعد ما جائک من العلم فقل تعالوا ندع ابنائنا و ابنائکم و نساءنا و نساءکم و انفسنا و انفسکم ثم نبتهل فنجعل لعنة الله على الكاذبين» (آل عمران - ۶۱)

در این آیه چنان که می دانیم حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله در مباحثه و مناظره ای که با نصارای ناحیه نجران درباره حضرت عیسی علیه السلام داشتند، پس از امتناع نجرانیان از پذیرش حق بنا را بر مباهله گذاشتند و در این مباهله همه پنج تن علیهم السلام حضور داشتند. این شأن نزول علو مقام امیرالمومنین علیه الصلوٰة والسلام را به وضوح تمام نشان می دهد. چراکه عنوان «نفس» رسول اکرم صلی الله علیه و آله از آن حضرت است. تفسیر و شأن نزول این آیه شریفه در مواضع متعدد از کتب عامه و خاصه آمده است از جمله:

تفسیر القمی جلد ۱ ص ۱۰۴ تفسیر العیاشی جلد ۱ ص ۱۷۶-۱۷۷ تفسیر الفرات ص ۸۵-۹۰ «عقائد الانسان» سید هاشم حسینی طهرانی جلد ۲ ص ۱۴۵-۱۶۸ از سی و دو کتاب معتبر اهل سنت تفسیر تبیان جلد ۲ ص ۴۸۴ مجمع البیان جلد ۱ ص ۴۵۱ تفسیر ابوالفتوح جلد ۳ ص ۶۱-۶۶ تفسیر المیزان جلد ۳ ص ۲۲۲-۲۴۴

۷- آیه «اخوت»

... إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ... (حجرات - ۱۰)

شأن نزول این آیه همان حکایت برقراری اخوت و برادری بین اصحاب است که در کتاب «عقائد الانسان» جلد ۳ ص ۱۳۱ به بعدیه نقل از چهل کتاب معتبر اهل سنت آورده شده است در این شأن نزول، حضرت رسول اکرم صلی الله علیه آله حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را برادر خویش در دنیا و آخرت اعلام فرمودند. (نیز نک: امالی صدوق مجلس ۵۵، حدیث ۴ و مجلس ۲۶، حدیث ۶ و مجمع البیان ج ۵ ص ۱۳۳ و ...)

روایات

- الف - «زدّ برائت» که شأن نزول آن در تفسیر آیات نخستین سوره توبه آمده است. (تفسیر العیاشی، جلد ۲، ص ۷۲)
- ب - «اعطای رایت» در جنگ خیبر، پس از فرار خلیفه اول و دوم از برابر دشمن، به امیر المؤمنین علیه السلام و پیروزی حضرت (مجمع البیان جلد ۹، ص ۲۰)
- ج - «لاسیف الا ذوالفقار و لافتی الاعلی» جمله معروف جبرئیل در روز جنگ احد، بدر و خیبر (امالی صدوق مجلس ۳۶، حدیث ۱۰ و نیز روضه کافی جلد ۱ حدیث ۹۰ و نیز معانی الاخبار صدوق ص ۱۱۹ و نیز «عقائد الانسان» سید هاشم حسینی تهرانی جلد دوم ص ۲۴۱-۲۴۳)
- د - حدیث منزلت: «یا علی انت منی بمنزلة هارون من موسی الا انة لانیبی بعدی» که شأن نزول آن و علت صدور آن از لسان مبارک نبوی در مواضع متعدد کتب فریقین آمده است از جمله:
- «عقائد الانسان» سید هاشم حسینی تهرانی جلد سوم ص ۹۷-۹۸ از طریق دست کم سی کتاب اهل سنت
- معانی الاخبار صدوق، ص ۷۴
- تفسیر القمی جلد ۱ ص ۲۹۳
- تفسیر فرات احادیث شماره ۳۸ و ۷۰ و ۷۱ و ۷۴ و ۷۸ و ...
- ۸- خطبه غدیر که پیش از این در شماره ۵ از اشعار فیاض ذکر گردید و بحث

مستوفای این خطبه به لحاظ اثبات در کتاب «الغدیر» علامه امینی شده است.
 ۹- «امر به سلام به امیری مؤمنان» قال رسول الله صلى الله عليه وآله: لما أسرى
 بى الى السماء كنت من ربي كقاب قوسين أو أدنى فأوحى الى ربي ثم قال: يا محمد
 اقرء على بن ابى طالب امير المؤمنين السلام فما سميت بهذا أحداً قبله ولا اسمى
 به احداً بعده» (شيخ حر عاملی، الجواهر السنیه فی الاحادیث القدسیه، ص ۲۶۲
 (مکتبه المفید قم))

و دهها مورد دیگر از فضائل مولای اهل یقین علیه الصلوة والسلام به همین
 ترتیب زینت افزای سخن این شاعر «ولایت مدار» گردیده که مقام گنجایش بحثی
 بیش از این ندارد. همه آنچه گفته شد بخشی از اظهار ارادت و بیان معرفت و ابراز
 تشیع اعتقادی این عالم سترگ و شاعر حقیقی است قطعاً می توان وی را مصداقی
 از شاعر مقصود قرآن کریم دانست که از جمله شروط شاعران مقبول حق را «ایمان»
 ، «عمل صالح» و «ذکر کثیر» بر شمرده که به یقین خاستگاه این هر سه همان ولایت
 آل الله سلام الله علیهم اجمعین است:

نتیجه:

شعر از منظر الهی، به تنهایی، ارز و مقداری ندازد و آن گاه ارج و قدر می یابد که
 از گوینده ای بروز یابد که ایمان، عمل صالح و ذکر کثیر و ویژگیهای برجسته وجودی
 وی باشند. مزوری در کتاب و سنت نشانگر این حقیقت است که برجسته ترین
 مصداقی و مظاهر این سه خصوصیت در سر سپردگی که خاندان عصمت و طهارات
 علیهم السلام و پیروی و تبعیت محض از این معجالی والائی جمال و کمال الهی،
 نمود می یابد. بر این مبنا و با نگاهی دقیق به سرتاسر دیوان فیاض لاهیجی، قطعاً
 می توان وی را از نمونه های بارز شاعر قرآنی به شمار آورد؛ چرا که وجه همت این
 شاعر متضلع، عرضه معارف ناب دینی و پای بندی صرف به اساسی ترین مبانی

اعتقادی برگرفته از کتاب و عترت است که دو وزنه و دو کفه میزان دین و دو مقتدای
اهل یقین و صامت و ناطق کلام رسول مبین اند.